



بنیاد علمی آموزشی مهر
(حقوق)

چکیده راز جرم شناسی

ویژه آزمون دکتری جزا و جرم شناسی

بنیاد علمی آموزشی مهر

خصوصیات برجسته انسان بزهکار (علائم ظاهری) از نظر لمبروزو:

- ۱- پیشانی کوتاه
 - ۲- ضخامت مفرط کاسه سر
 - ۳- موهای ضخیم و سوزنی
 - ۴- چهره های بی مو در مردان
 - ۵- چپ دستی
 - ۶- تکلم به زبان اوباش
 - ۷- میل به خونریزی
 - ۸- غرور مفرط
 - ۹- رشد نامناسب آرواره ها و....
- خصوصیات دیگری که بالغ بر ۷۲ مورد بوده است (نکته مهم: این خصوصیات الزاماً و بطور توأمان در مجرم نیست بلکه ممکن است تعدادی از اینها وجود داشته باشند) پس اولین ره آورد مکتب تحقیقی اعتقاد به جبر گرایی بود.

نظریات جدید جرم شناسی:

گفته شد که جرم شناسی علمی با ظهور مکتب انسان شناسی جنایی به جهانبیان معرفی شد، تا سالهای ۱۹۲۰ میلادی تقریباً می توان گفت رویکرد غالب در جرم شناسی اصولاً افکار مکتب انسان شناسی جنایی بود. اگر چه بعدها دیدگاه های این مکتب علمی در تلاقی با سایر ره آورهای علم جرم شناسی صیقل خورد و تعدیل گردد. مخصوصاً اصل جبر گرایی و اعتماد به وجود مجرم بالفطره بطور کلی نفی گردید اما غالب قانونگذاران کیفی دنیا از ره آوردهای این مکتب جرم شناسی بهره بردند قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ با الهام از این مکتب جرم شناسی تصویب و اجرا شد. اما بعد از ۱۹۲۰ میلادی سه رویکرد جدید در عرصه مطالعات جرم شناسی ظاهر گردید، رویکرد اول، تحت عنوان مکاتب علت شناسی جدید به مطالعه پیرامون علت شناسی در خصوص جرایم پرداخت. رویکرد دیگر تحت عنوان جرم شناسی پویا یا متحول و رویکرد سوم، جرم شناسی اجتماعی.

برای آنکه اندیشه های مجرمانه از قوه به عمل درآید آقای مونه ریدر چهار شرط لازم دانسته است:

- ۱- شرط اخلاقی
- ۲- شرط کیفی
- ۳- شرط مادی
- ۴- شرط عاطفی

منظور ایشان آن است که جرم زمانی اتفاق می افتد که شرایط چهارگانه فوق همگی موجود باشد. منظور ایشان از شرط اخلاقی این است که ترس از الصاق بر حسب مجرم، سارق، قاتل، مانعی بر راه ارتکاب جرم نباشد. یعنی عیب و ننگ و خفت ناشی از ارتکاب جرم برای مرتکب بی اهمیت باشد. یعنی به راحتی بپذیرد که او را سارق و کلاهبردار بنامند. شرط دیگری که برای از قوه به عمل درآمدن اندیشه مجرمانه لازم است این است که انسان زمانی مرتکب عمل مجرمانه می شود که ترس از کیفر و مجازات نداشته باشد یعنی دور نمای اعمال مجازات بر خود را پیش بینی نکرده و یا در صورت پیش بینی از این موضوع هراسی نداشته و بیمناک نباشد.

تئوری اقتصادی بیکر

تئوری اقتصادی جرم که متعلق به اقتصاد دان فرانسوی به نام «گری بیکر» است، او اقتصاد دانی بود که در خصوص فرایند کیفیت جنایی یا فرایند قطعیت یافتن اندیشه مجرمانه، اعمال مجرمانه را به اعمال تشبیه نمود و همانند بنام اعتقاد داشت انسان موجودی است حسابگر و در زمان تصمیم به ارتکاب جرم، مبادرت به انجام یک محاسبه می نماید و بر حسب فایده ای که از فعالیت مجرمانه خود انتظار دارد و همچنین زیان هایی که به عنوان عقوبت ارتکاب جرم دامن او را می گیرد تصمیم گیری می نماید.

چهار مکتب فکری تلاش کردند به سؤالات فوق پاسخ دهند این چهار مکتب عبارتند از:

۱- جرم شناسی مارکیستی یا انتقادی (رادیکال)

۲- جرم شناسی سازمانی

۳- جرم شناسی تعامل گرا یا برچسب زنی

۴- جرم شناسی بزه دیده شناسی

- جرم شناسی سوسیالیستی (مارکیستی):

می دانیم مارکس در قرن نوزدهم میلادی به عنوان بزرگترین تئورسین اقتصادی جهان معرفی شد در تخیلی که ایشان از نظر اقتصاد داشتند اقتصاد را بعنوان بهترین رکن هر جامعه می دانست. البته غیر از مارکس، وانگلس هم، معاصر با مارکس به بررسی وضعیت اقتصادی جامعه و تأثیر آن در بزهکاری پرداخت. مارکس نویسنده کتابی است بنام کاپیتال یا سرمایه. وانگلس نویسنده کتابی است بنام «وضعیت طبقه زحمتکش در انگلستان». مارکس که آلمانی تبار بود غالب مطالعات خود را در لندن انجام داد.

جرم محصول نامطلوب پلیس، دادسرا، سازمان زندانها، خانواده، جامعه و... است. برای مطالعه جرم این مکتب سه مسیر مطالعاتی را پیشنهاد میکند.

۱- فرآیند جرم انگاری چگونه صورت می گیرد؟

۲- پس از ارتکاب جرم جامعه چه واکنشی نشان میدهد؟

۳- عملکرد نهادهای رسمی در امر مبارزه با جرم تابع چه معیاری است و چه نتایجی دارد؟

جامعه شناسی جنایی

جرم شناسی به دلیل آنکه علم نوپاست و در کشور ما نیز مورد بی مهری قرار گرفته است مطالعات اندکی در مورد آن صورت گرفته است. جامعه شناسی جنایی نیز که یکی از شاخه های تخصصی جرم شناسی است از همین مشکل رنج می برد. لذا مطالب ارائه شده در کلاس، اصل خواهد بود ولی کتاب آسیب شناسی اجتماعی (هدایت ۱ - ستوده -) و جامعه شناسی انحراف (دکتر شیخاوندی - انتشارات محقق). و مبانی جرم شناسی دکتر کی نیا جلد دوم بخش اول نیز جزء منابع کمکی خواهند بود.

خودکشی خود خواهانه

یک نوع خودکشی که ایشان تبیین و تعریف کرد خودکشی خودخواهانه بود. خودکشی خودخواهانه در حقیقت حالتی از خودکشی بود که فرد به دلیل تنهایی و یأس از زندگی مرتکب می شد. مثلاً این حالت که فرد مجرد بیشتر از فرد متأهل مرتکب خودکشی می شد، ایشان این را این طور تبیین می کرد که فرد متأهل علاوه بر نقشی که سابقاً به عنوان یک فرد در جامعه داشت (چه زن و چه مرد) فرد متأهلی که دارای فرزند هست، یک نقش اجتماعی جدید پیدا می کند به عنوان « پدر » و همین طوری فردی که در جامعه یک مسند مهم اجتماعی را دارد و در یک شغل هست بایستی نقش پایگاه جدید اجتماعی را نیز ایفا کند. این داشتن نقش های گوناگون فرد را از حالت یأس خارج می کند و باعث می شود که کمتر به سمت ارتکاب خودکشی سوق داده شود.

نکته مهم: این است که قبل از دانشمندان مذکور افراد دیگری نظیر گیتته... بوده اند که درباره جرم شناسی (علت وقوع جرم) بحث کرده اند ولی فقط این سه دانشمند هستند که به دنبال افکار آگوت کنت سعی نمودند که با استفاده از روشهای تجربی علوم طبیعی در این رشته سعی در بیان علمی علل وقوع جرم نموده اند.